بسم ا...

نظام سرمایه‌داری



حسین شکیب‌راد
دبیر «نوجوانه»

تقویم فقط یک دفترچه نیست که کارهای ضروری، قرارها، شماره‌های تلفن یا از این‌جور مطالب را در آن یادداشت کنیم. اگر درست نگاه کنیم، تقویم خودش یک کتاب است که کلی حرف در خودش جا داده است. مثلا همین ۱۳آبان را که شاید چند سال در نوجوانی به عنوان روز دانش‌آموز در مراسم راهپیمایی‌اش شرکت کرده‌ای، ندانی که چه چیزهایی پشت سرش وجود ندارد.

نمی‌دانم جزو آن دسته‌ای هستی که فکر می‌کنند عنوان روز دانش‌آموز برای همان ماجرای تسخیر لانه جاسوسی است یا خبر داری که سال قبل از آن، یعنی آبان ۱۳۵۷، چه اتفاقی افتاد. صبح ۱۳آبان ۱۳۵۷، دانش‌آموزان درحالی‌که مدارس را تعطیل کرده بودند، به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند تا صدای اعتراض خود را به گوش شاه و حامیانش برسانند. این جوانان گروه گروه داخل دانشگاه رفته و همراه دانشجویان و گروه‌های دیگری از مردم در دانشگاه اجتماع کردند.

ساعت ۱۱ صبح همان روز، مأموران چند گاز اشک‌آور میان جمعیت معترض شلیک کردند، اما اجتماع‌کنندگان درحالی‌که به سختی نفس می‌کشیدند، صدای خود را رساتر کرده و با سر دادن شعارهای «مرگ بر شاه» لرزه بر اندام مأموران مسلح شاه انداختند. در این هنگام تیراندازی آغاز شد و ۵۶ جوان و نوجوان بی‌گناه به شهادت رسید و صدها نفر دیگر مجروح شدند، اما دانش‌آموزان دست از شعار بر نمی‌داشتند.

این از همان ماجراهایی است که در کتاب تقویم ثبت است و اگر با دقت به آن نگاه نکنیم و درباره‌اش ندانیم، فرصت را برای دشمنان فراهم کرده‌ایم تا تصویری را که فقط خودشان به آن باور دارند، برایمان ترسیم کنند.

فقط کافی است به دانش‌آموز بودنت افتخار کنی. بیا و قدر سرگیجه و پرسش‌هایت را خوب بدان! اجازه بده آسان و بی‌کاستی، شعله‌های کوچک اندیشه و احساس در تو شکوفا شود. این تردیدها، نشانه‌های خوبی است که تو را به ساحل امن آرامش می‌رساند. نگاه نکن دیگران چقدر برای تو ارزش قائل می‌شوند. تو سرمایه‌ای. به قول یک دوست، ما طرفدار نظام سرمایه‌داری هستیم، لااقل تا وقتی سرمایه‌های کشور شما نوجوانان هستید.



اگه تا حالا نمی‌دونستی چطوری می‌تونی برای نوجوانه مطلب بفرستی یه راه ساده بهت پیشنهاد می‌کنم کافیه یه پست با متن زیبا توپیج شخصیت بذاری و #نوجوانه رو هم پایینش قرار بدی؛ ما تورو پیدا می‌کنیم

برگ سبز سواری جک هاج بک S5، به رنگ مشکی متالیک، مدل ۱۳۹۴، به شماره موتور HFC4GA31DF3022812، شماره شاسی NAKSH7314FB107382 و شماره پلاک ۱۷۷س۹۸ - ایران ۹۹ به‌نام فاضل اسلامی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و مدارک راهورخودرو اموی‌ام۵۳۰، مدل ۱۳۹۰، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۱۳-۴۶۲ی۹۸، شماره موتور MVM484FFFA002592 و شماره شاسی NATGCAVF691002701 به‌نام غلامحسین افضلی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

پایان عصر تنبیه

مهدیه اسمعیلی
شهریار



میگم اگه فقط یه خورده عمیق‌تر به موضوع نگاه کنیم و به قول اهالی ادب از زاویه دیگری به مساله بنگریم، این کلاسای آنلاین اونقدرام بد نیستن. فک کنین، مثلا یادتونه همیشه تو مدرسه وقتی معلم بچه سرتق هارو دعوا می‌کرد که چرا تکلیف ننوشتین، بجای خجالت خنده شون می‌گرفت. اون وقت سعی می‌کرد جلوشو هرطور شده بگیرن. اما الان که کلاسا آنلاینه دیگه می‌تونن با خیال راحت بخندن (البته سرتق بودن چیز خوبی نیستاا، کلی گفتم). اخه فقط موضوع به اینجا ختم نمیشه، باز خنده اون سرتق‌ها بهتر از ترسی بود که به جون بقیه که یکم ترسوتر و محجورتر بودن می‌افتاد. طفلی‌ها ممکن بود تا هفته‌ها دلشون نخواد دیگه سر کلاس حاضر شن. یامثلا وقتایی که دیر می‌رسیدیم مدرسه و می‌بردنمون دفتر و اینقد ازمون سوال و جواب می‌کردن که بغضمون می‌گرفت، اما الان اولا که دیر رسیدنی وجود نداره چون فقط کافیه سه دقیقه زودتر از ساعت شروع کلاس فقط از خواب پاشی و آنلاین شی تازه اگرم خواب بمونی دفتر و ناظم و تنبیهی درکار نیست. در کل کرونا انگار پرونده این تنبیهای دانش‌آموزی رو فعلا بسته. خب این‌که تنبیه هم اصلا چیز خوبی نیست، مثلا زمان‌های گذشته خیلی از تنبیه‌ها بودن که نه تنها دانش آموز عبرت نمی گرفت بلکه تا عمر داشت هروقت اسم مدرسه و درس و کلاس میومد، طفلی از ترس سکته می‌کرد. شاید اگه تنبیه‌ها نبودن، بچه‌ها از هفته دوم مهر منتظر تابستون نمیشدن و غروبای ۳۱شهریورم اینقدر دلگیر نبودن...



200 like

این کلاسای آنلاین که خودش شده مایه کرکر خنده

به نظرم دیگه تنبیه بزرگتر از خود کرونا پیدا نمیشه

«تشکیلات و مأأدراک مأتشکیلات»

علیرضا چامه
کرمانشاه

خواسته یا ناخواسته به اجبار یا اختیار بالاخره نوجوان باید از پیله تنهایی مهاجرت کند و آهسته آهسته به سمت اجتماعی شدن برود. اجتماعی شدن دیر و زود دارد ولی سوخت وسوز ندارد و شتری است که درِ اتاق خواب هر نوجوانی می‌خوابد. ولی چاره کار چیه؟ چطور باید کنار بیاییم؟ من این راهکار رو پیشنهاد می‌کنم! و این امر محقق نمی‌شود مگر با کار تشکیلاتی «هرچه زودتر بهتر» شاید بعضی‌ها خیال کنند که تنها و انفرادی زودتر به موفقیت می‌رسند! ولی این فقط یک تحمیل ذهنی است، موفقیت همیشه مهم نیست، آن چیزی که اهمیت دارد آدم شدن است و کلیدش هم کار تشکیلاتی است.

تشکیلات به زندگی تان نظم و ریتم می‌دهد، شما را صبور می‌کند، رهبری و تعاملات اجتماعی را برایتان آسان می‌کند و شما را در هرحرفه ای، حرفه‌ای می‌کند. قضاوت با شماست، زمانی که نماز را به تنهایی می‌خوانید، نمازتان مورد قبول خداوند هست و کارتان را انجام داده‌اید اما اگر همان نمازتان را به جماعت بخوانید و مرتب و منظم در صفوف و دوشادوش هم دیگر قرار بگیرد آن وقت هم نمازتان را خوانده‌اید و وظیفه تان را انجام داده‌اید اما پاداش و ثوابش از زمین تا آسمان تفاوت دارد. نماز جماعت مصداق بارز و کامل کار تشکیلاتی است؛ هم نظم و ریتم خاصی دارد، هم رهبری می‌شود که اگر یکی دو نفر صف را به هم بزند و ترک کند کار همه تشکیلات را خراب می‌کند.

150 like

هی میخان به ما بگن که ما ایرانیا کار گروهی بلد نیستیم ولی به نظرم نباید حواسمون به حرف دشمن باشه

نابغه پروری مدارس!

حسام‌الدین شمس
قم



اگر به مطالعه زندگی‌نامه نوابغ، هنرمندان و کارآفرین‌های مطرح جهانی علاقه‌مند باشید یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی‌شان را در «اصالت» و «استقلال» می‌بینید. آنها با بینش خاص خودشان و به دور از تقلیدهای کورکورانه وارد کار حرفه‌ای شده و همین موجب آفرینش ایده‌های کلیشه شکن می‌شود. خب حالا ما می‌خواهیم تبدیل به کشوری بشویم که مهد نوابغ باشد، چه باید کرد؟ در کنار مسائل بدیهی مثل وضعیت معیشت مناسب و... آنچه که ما نیاز داریم آموزش اندیشیدن و (نه اندیشه) در تفکر جوانان‌مان است و این دقیقا همان چیزی است که سیستم آموزشی ما در تمام طول دوازده سال با وجود تلاش‌هایی که گاهی به چشم می‌خورد ولی موفق به رسیدن نشده است.

بگذارید رک بگویم وقتی یک کودک وارد سیستم رسمی آموزش کشور می‌شود، در میان خیل عظیمی از کودکان گم شده و تا پایان کلاس نهم در عمل هیچ تمایز اساسی میان دانش‌آموزان قائل نمی‌شوند، معلوم نیست چند درصد نقاش، نوازنده، فیلسوف، سیاست‌مدار و... استعدادهایشان به سبب بی‌توجهی نظام رسمی آموزشی یا خانواده کور شده است.

بعد از نه سال آموزش رسمی و فراز و نشیب‌های مختلف، تازه یک تفکیکی بر اساس علاقه و توانمندی میان دانش‌آموزان به وجود می‌آید که نوجوان می‌تواند میان رشته‌ها دست به انتخاب بزند. اینجاست که با کمی تامل در می‌یابیم آموزش رسمی با بی‌توجهی بنیادین خود نُه سال مهم و حیاتی از کودکی و نوجوانی دانش‌آموز را با بی‌توجهی بنیادین خود با بازدهی بسیار اندک به پایان می‌برد و در این بین نیز اگر دانش‌آموزی اصیل یافت بشود به‌خاطر وجود اطرافیان خوش‌فکر بوده است نه مدرسه.

250 like

آقا یکی بیاد نبوغ مارم کشف کنه

کاش منم میتونستم از این متنای قلمبه سلمبه بنویسم ولی دمت گرم